

# اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبای

hcwconf.ir



نقش حکمت اسلامی بر نقوش و عناصر معماری اسلامی بر اساس دیدگاه دکتر سید حسین نصر

سیده مزده عالمی<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری گروه فلسفه هنر، دانشکده هنر و معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.

ایران mojde.alami@gmail.com

## چکیده:

بررسی نقش و تأثیر هنرهای اسلامی علی‌الخصوص نقوش معماری یکی از روش‌های تحلیلی صورت و معنا است که می‌توان به نیات و مقاصد هنرمندان مسلمان و پدیدآورندگان یک اثر هنری اسلامی اعم از طرح و نقوش کاشی، کتیبه، تذهیب، گنبد، محراب و... آشنا شد. هنر دوره اسلامی با شکل‌گیری و ورود روح اسلامی در کالبد معماری اسلامی دمید. این معماری علاوه بر روح اسلامی دارای هویت و حکمت اسلامی بود، بنابراین حکمت اسلامی در قالب معماری بازنمایی شد. در این پژوهش در پی پاسخگویی به هدف و شاخصه‌های معماری اسلامی و نقش حکمت اسلامی در ارزش‌های معماری، قصد داریم تا با بررسی آن و ارتباط میان معماری و حکمت هنر اسلامی بر اساس دیدگاه دکتر سید حسین نصر بپردازیم. این پژوهش با رویکرد پدیدارشناسی و روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری مطالب به شیوه اسنادی با مطالعات کتابخانه‌ای و بر پایه پژوهشی استوار است. نتایج این مطالعه حاکی از آن است که وحدت میان تمامی نقوش و عناصر معماری اسلامی بر مبنای اصول معنوی مشترک، در حقیقت باطنی‌شان یکسان‌اند و پیوند معنویت اسلامی و هنر درزمینه هنرهای چون معماری کاملاً مشهود است.

کلید واژه‌ها: حکمت، هنر اسلامی، معماری اسلامی، نقوش اسلامی

# اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



مقدمه :

هنر در بینش اسلامی شرافت بخشیدن به ماده است. (نصر، ۱۳۷۳. ۴۴) زیبایی بخشیدن به ماده، ستودن کدورت آن و تبدیل آن به مظهری از مراتب برتر هستی که هدف هنر قدسی و فی واقع هنر سنتی باشد (همان، ۴۱) دکتر نصر معتقد است که حیات انسان بدون هنر متصور نیست، و آثاری که انسان به وجود آورده نماینده قدرت خلاقیت و صورت سازی است که ایزد متعال به او ارزانی داشته، چه آن هنر تجلی بخش حقایق عالم بالا باشد و چه لایه های تاریک نفس اماره انسان. (نصر، ۱۳۷۸)

حکمت واژه ای قرآنی و از صفات خداوند است. حکمت در لغت از ریشه حکم به معنی قضاوت و داوری، بین خیر و شر، حق و باطل و... و از ریشه حکم به معنی محکم، استوار، بدون رخنه و سستی است (قاموس قرآن، قرشی، ۱۳۵۲، ۱۶۱) برای دکتر نصر حکمت که زاینده معرفت و رحمت است هم آغاز هنر است هم پایان، هم علت فاعلی آن، هم علت غایی آن است. (نصر، ۱۳۸۵. ۴۲۴)

حکمت هنر معماری اسلامی می تواند ما را از منظر اسلامی، به تشخیص حقیقت پدیدارها و انسان ها، جهت و غایت رشد و تکامل مثبت و منفی آن ها قادر نموده و در عمل ما را در آباد ساختن محیط زیست انسان ها، آن گونه که شایسته و مناسب استعدادها و قابلیت های تکاملی آن ها می باشد توانا سازد. (نفره کار، ۱۳۸۹. ۱۹)

دکتر شفیعی کدکنی درباره رابطه هنر و حکمت عرفان اسلامی می گوید: «در کنار هر دینی نیز کسانی همیشه خواهند بود که آن دین را با نگاه جمال شناسانه و هنری بنگرند. اینان عارفان آن دین اند.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۲۱) بنابراین نگاه عارفانه به نقوش و عناصر معماری اسلامی برای دستیابی و رمزگشایی طرحها و نقوش معماری ایرانی راه گشا خواهد بود تا به ذات اندیشه ای این هنر و هنرمند مسلمان پی برده شود.

با بررسی آثار حکما و فلاسفه ای اسلامی و دقت نظر در هنرهای معماری اسلامی ایران، متوجه ارتباطی وثیق میان این هنرها و حکمت و عرفان اسلامی می شویم. روش شناخت بطن و ابعاد معنوی و تأویل عرفانی در اصطلاح عرفای مسلمان کشف المحجوب است. در واقع هنرمند مسلمان ایرانی در این هنرها به وسیله قالبی از جنس محسوسات و مدرکات انسانی، مشابه با مفاهیم ضمنی عرفان اسلامی که ریشه در عالم مثال و معقول دارند، سعی به تصویر کشیدن آن صور و مفاهیم مثالی توسط قوه ای خلاقه ای تخیل دارد.

# اولین همایش ملی علوم انسان‌ها در حکمت معاصر با محوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



دکتر رحمتی در کتاب معرفت و معنویت می‌گوید: از منظر نصر، هنر اسلامی، حقایق درونی وحی را در جهانی صورت‌ها، متبلور می‌کند و چون از وجه باطنی اسلام نشأت می‌گیرد، انسان را به خلوت درونی وحی الهی رهنمون می‌کند. وی هنر اسلامی را نیاز عمیق انسانی برای تجلی خدا می‌داند. (نصر، ۱۳۸۱). نصر نیز هنر را در عرفان مورد توجه قرار داده و معتقد است هنر بر علمی به عالم هستی مبتنی است که ماهیتی معنوی و باطنی دارد و برای انتقال معرفتی، معنوی است (جهانگلو، ۱۳۸۱: ۴۹۱).

در همین راستا این پرسش در ذهن مخاطب متبادر می‌شود که نقوش و عناصر معماری اسلامی از چه منظری باید مورد بررسی قرار گیرند؟ جایگاه عرفان و حکمت اسلامی در تأویل طرح و نقش معماری اسلامی ایرانی چیست؟ جنبه‌های ظاهری این نقوش چه ارتباطی با مفاهیم باطنی دارد؟ برای پاسخ به سؤالات پژوهشی با روش توصیفی تحلیلی از نظرگاه دکتر نصر به تأویل و کشف رموز طرح‌ها و نقوش معماری ایرانی پرداخته شده است.

## روش پژوهش:

پژوهش حاضر یک پژوهش بنیادی و توصیفی است که به منظور دستیابی به اطلاعاتی جامع و نتایجی راهگشا با استفاده از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی استفاده شده است و با مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است. در بخش مطالعات کتابخانه‌ای از منابع مختلفی در حوزه‌ی حکمت هنر، عرفان اسلامی و هنر اسلامی جهت جمع‌آوری اطلاعات مورد لزوم مربوط به نظریات مختلف استفاده شده است. از سوی دیگر مطالعه میان رشته‌ای، به معنای برخورداری از کثرت روش‌ها و ابزارهاست. چرا که مسائل گوناگون، به جهت تعامل اثربخش میان گستره‌ها و رسیدن به یک مسئله واحد، روش‌های متنوع را نیز می‌طلبد. از این رو پژوهشگر درصدد آن است تا با رویکردی غالباً عرفانی و به تبعیت از اندیشمندان اسلامی به بن‌مایه‌های عرفان اسلامی در حوزه هنر به بحث و بررسی بپردازد.

در همین راستا با روش پدیدارشناسی به‌عنوان روشی که به ما می‌آموزد چگونه به نیت یا نیت هنرمند که در پس ظواهر و ملحقات مادی اثر هنری پنهان شده است، پژوهشگر را به کاوش عمیق‌تری محقق کرد. بنابراین آنچه در شناخت آثار هنری خلق شده در تمدن اسلامی اهمیت دارد، شناخت شرایط، معارف و اندیشه‌های حاکم در این سرزمین‌هاست که همانند تمامی ملل دیگر ذهن و اندیشه‌ی مردمان و به تبع آن هنرمندان آن را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

# اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر با محوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



پیشینه پژوهش :

حاجی قاسمی در سال ۱۳۹۱ در مقاله خود با عنوان شاخصه‌های معماری اسلامی ایران ، با تکیه بر دیدگاهی معمارانه، این بنیادهای خیالی طراح را، که به صورتی عام و چشمگیر در فضاهاى این معماری قابل رؤیت و دریافت است، در قالب موضوع‌های مختلف و در مراتب گوناگون طرح تبیین نموده تا دریچه‌ای به ادراک بهتر این معماری بگشاید . ( حاجی قاسمی. ۱۳۹۱ )

مهدوی نژاد در سال ۱۳۸۳ در مقاله خود با عنوان حکمت معماری اسلامی جستجو در ژرف ساخت‌های معنوی معماری اسلامی ایران به بررسی رویکرد حکمی به معماری اسلامی که نگرشی درون زاست پرداخته است. با توجه به تعاریف گوناگونی که به منظور تبیین معماری اسلامی ارائه شده و اغلب جنبه‌های مادی و ظاهری را مورد توجه قرار داده‌اند، این مقاله رویکرد حکمی به معماری اسلامی را بر اساس چنین نگرشی آنچه میان مخاطب و پدیدآورنده‌ی اثر هنری ، به عنوان واسطه قرار می‌گیرد ، رسانه‌ای از آموزه‌های معنوی و ملکات روح‌انگیز الهی است. ( مهدوی نژاد. ۱۳۸۳ )

کرامت و گودرزی در سال ۱۳۹۳ در مقاله خود با عنوان تأملاتی در باب نسبت «حکمت هنر اسلامی» و «فلسفه هنر اسلامی» به بررسی معنای دو ترکیب یاد شده و بیان نسبتشان با هم، پرداخته و تلاش شده با تحلیل و بررسی معنای حکمت به عنوان مبهم ترین جزء ترکیب یاد شده و بیان نسبت آن با فلسفه، نسبت دو ترکیب «حکمت هنر اسلامی» و «فلسفه هنر اسلامی» تا حدی روشن گردد. بنا به مطالعات صورت گرفته در مسیر تدوین این مقاله، حکمت، مفهومی گسترده تر و عمیق تر از فلسفه دارد و به لحاظ منشا و قطعیت نیز نسبت به فلسفه، افضل است. به نظر می‌رسد «فلسفه هنر اسلامی» علیرغم شباهت، از جهات مختلفی با «حکمت هنر اسلامی» متفاوت است و به لحاظ مبدا و منبع پیدایش و مرجع شناخت هنر اسلامی، نمی‌تواند با «حکمت هنر اسلامی» هم‌عرضی کند. (کرامت. ۱۳۹۳ )

نصر در سال ۱۳۸۰ در مقاله خود با عنوان معرفت و معنویت به بررسی هنر معماری پس از اسلام پرداخته است و با بررسی معماری ایرانی و هنرهای وابسته به آن به صاحب نظران و دانشمندان بزرگ عصر ایراد کرده است. (نصر. ۱۳۸۰ )

مبانی نظری :

# اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



معماری اسلامی به عنوان یک هنر در قالب مادی به شمار می‌آید. به لحاظ تاریخی معماری اولین هنری به شمار می‌آید که توانست خود را با مفاهیم اسلامی سازگار کند و از طرف مسلمانان مورد استقبال قرار گیرد. همین امر سبب گردید سال‌ها به عنوان تنها هنر اسلامی به درج مفاهیم دینی و مذهبی اسلامی پردازد. تا آنجا که با شنیدن واژه اسلامی، معماری اسلامی در ذهن مردم تداعی می‌شود. (wilber.1955) در یکی دو قرن گذشته مهم‌ترین آرا درباره مبانی نظری هنر اسلامی را اندیشمندانی با عنوان سنت‌گرایان همچون رنه گنون، فریتھیوف شئون، مارتین لینگز، دکتر نصر و تیتوس برکات ارائه دادند. اصلی‌ترین و شیرین‌ترین تفسیر و تأویل هنر اسلامی بر اساس مبانی حکمی و عرفانی اندیشه اسلامی است. سنت‌گرایان هنر اسلامی را تصویر نماد این معانی باطنی اسلام و به ویژه شیعه دانسته و در این رابطه به تحویل گسترده‌ای در هنر بر اساس آموزه‌های عرفانی و شیعی دست زده‌اند. (بلخاری قهی، ۱۳۸۷)

با ورود باور و اندیشه‌های اسلامی، هنرمندان به علت محدودیت و ممنوعیت پیکره‌نگاری و پیکره‌تراشی به روش‌های دیگری که اساساً مبتنی بر تجرید و استلیزاسیون نگاره‌های گیاهی روی آوردند. هنرمند معمار مسلمان معارف و اندیشه‌های متعالی و سرمدی خویش را بر اساس فرهنگ و باورهای عرفانی به صورتی رمزی و استعاری بیان نمود. در این میان هنرمند هنرهای اسلامی از نقوش اسلیمی، ختایی، گل شاه عباسی و... در بیان صفات جلالی و جمالی حق تعالی و حقیقت وحدت وجود بهره برده است. معماری اسلامی، در عین سادگی و ظرافت، هیچ چیز به حال خود و به صورت خام رها نمی‌شود. سنگ را حجاری، آجر را منقوش، گچ نقوش خیال‌انگیز پیدا می‌کند، چوب گره چینی می‌شود و کاشی تکه‌تکه شده به صورت معرق به کار می‌رود و... در نهایت از صورت خام خارج می‌شود. رویه‌ای دیگری از مواد و مصالح را آشکار می‌سازد، رویه‌ای، پرمز و راز. (هیلن برند، ۱۳۸۰: ۲۶) بدین ترتیب نقوش و عناصر بنا را به اثر هنری ظریف معماری اسلامی بدل می‌کند. فضاها پر نقش و رنگ در قطعات کاشی‌کاری، آجرکاری، گچ‌بری، نقاشی، درودگری، حجاری، آینه‌کاری و... است.

آنچه معماری اسلامی را تعریف می‌کند انگاره ایست که آموزه‌های معنوی معماری اسلامی را در تک‌تک این آثار متولد ساخته به عبارت دیگر اصلی پنهان در این بناها به ودیعه نهاده شده که موجب می‌گردد که بتوان آن‌ها را در کنار یکدیگر به عنوان اعضای یک خانواده بازیابی کرد، سید حسین نصر از آن به عنوان اصل وحدت یاد می‌کند. (نصر، ۱۳۷۵)

# اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



در هنر معماری اسلامی، هنرمند با دریافت الهامات قدسی و شناخت مراتب عالیّه توسط تزکیه، ذکر، مفاهیم و تعبیر عرفانی فهمیده و عالم شهود را به صورت زبانی رمزی و قابل تأویل بر نقوش و عناصر معماری ترسیم می‌کند. هنرمند در پی شناختی که در این کشف و شهود به دست می‌آورد، مشاهدات و شنیده‌هایش را در قالبی از جنس نقوش خطایی، اسلیمی و... به صورتی هماهنگ و متعادل، با رعایت تمامی اصول، به تصویر می‌کشد.

هنرمند معمار مسلمان با سیر و سلوک دست به آفرینش یا درواقع کشف و شهودی می‌زند که همان کشف‌المحجوب یا پدیدارشناسی روحانی است که با کنار زدن حجاب‌های دنیوی به ذات اینهمانی جهان و هر چه در آن است دست می‌یازد.

معماری قبل ازهر چیزی هنر است و باید با نگاه دل‌بدان نگرست تا به درک و دریافت «واقعۀ درونی» آن رسید. همچنین شناخت مفهوم یا مفاهیم پس و پشت این معماری هم به معنای دریافت و درک آن نیست، بلکه قرب به «آن» آن در گرو مواجهه مستقیم با آن و دریافت واقعۀ آن است که معمار هنرمند برای مخاطبش در صورتی مادی از خشت و آجر و چوب و گچ تدارک دیده است. هنرمند معمار متأثر از مفاهیم که در درون خود جاری است به عالم دیگر یا عالم خیال که حاصل ذوق و خلاقیتش است برای تبدیل آن مفهوم به صورت، می‌رود. از مهم‌ترین ارکان خلق یک خط، طرح و نقش معماری به عنوان یکی از هنرهای اصلی در حوزه هنرهای اسلامی، می‌توان از دو اصل «تجلی» و «نظم» نام برد که دو پدیدار کلیدی آینه و میزان مسبب و یا واسطه‌ی بروز آنها در آفرینش یک طرح معماری هستند. عنصر الهام‌بخش و ارتباط‌دهنده‌ی ذهن هنرمند به عالم قدس و سپس انتقال تجلیات آن به عالم محسوس قبل از این دو امر حیاتی پدیدار خیال است. در حقیقت خیال حلقه‌ی آشکار پنهان شده در پس حواس ظاهری و حجاب عالم ناسوت است که پرداختن به آن در حیطه‌ی شناخت هنرهای اسلامی غیرقابل اجتناب است.

قوه‌ی خیال، موهبتی درونی و اصیل، در وجود هنرمند عارف معمار گنجانده شده است و هنرمند طراح معماری به یاری قوه‌ی خلاقه‌ی خیال خویش، مراتب تأویل را طی و وارد عالم مثال (خیال منفصل)، شاهد باطن و حقیقت ظواهر عالم محسوس می‌شود، که قبل از این در پس حجاب متکاثف عالم محسوس قرار داشته‌اند. او در سفر بازگشت به کمک قوه‌ی حافظی خویش آنچه را که دیده و شنیده به خاطر می‌سپارد و از آنجا که آن صور و حقایق در ظرفیت معرفتی این عالم و موجودات آن نمی‌گنجند، به صورتی رمزی در پهنه‌ی نقوش و دیگر عناصر بنا منعکس می‌سازد.

# اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



اغلب به کمک نقش و رنگ که دستمایه طراح برای ظاهر ساختن سرشت ذاتی مواد و در نتیجه دستیابی به فضای مطلوب و دلخواهش است، می‌رسد. گویی با نقش او مهری از عالم بالا را بر در، دیوار، کف، سقف و... می‌زند و روحی دیگر در آن دمیده می‌شود. نقش و رنگ فضایی رویاگون را پدید می‌آورند. «فضای منقوش رنگین از مهم‌ترین و مشهورترین شاخصه‌های معماری اسلامی ایران است که کمتر نظیری در معماری فرهنگ‌های دیگر دارد.» (پوپ، ۱۳۶۵: ۱۲) طراحی انواع و اقسام نقوش هندسی و گیاهی تلاشی برای نقش زدن و شکل دادن به نور است. گویی که این نور است که تراش خورده، حجم یافته و مجسم شده است. (بورکها، ۱۳۷۲: ۵۵)

تناظر و تناسب میان صورت و معنی در هنر و عرفان اسلامی همواره به گونه‌ای بوده است که هنرمند عارف در جریان سیر و سلوک عرفانی‌اش گاه درگیر ساحات معنی بوده است و گاه صورت، در واقع لحظه‌ای هدایتگر دل و دست وی در خلق صورت‌های نو و بدیع عرصه‌های معنوی عرفان شیعه بوده است، گاه صورت‌های نقوش و رنگ مسبب گشایش عرصه‌های معنوی. این دیالکتیک ظاهر و باطن را می‌توان به وضوح در تمامی هنرهای اسلامی اعم از معماری، موسیقی، نگارگری، شعر و دیگر هنرهای از این دست نظاره‌گر بود.

فضاهای پر و خالی نقوش و عناصر معماری در واقع مصداقی از ظاهر و باطنی هستند که عارف و هنرمند مسلمان در پی ایجاد تعادل و شناخت آن‌هاست. از این روی در جهت رمزگشایی از این ظواهر و بواطن در عرفان اسلامی، «علم التأویل» یا «کشف‌المحجوب» و یا به اصطلاح هانری کربن پدیدارشناسی روحانی پایه‌گذاری گردید تا بتوانند از مشاهدات روحانی عرفا و هنرمندان پرده‌برداری کنند. حتی پژوهشگرانی همچون تیتوس بورکهارت که عمری به بررسی و تحلیل ارتباط میان ظاهر و باطن هنرهای اسلامی پرداخته‌اند، در مواجهه نقوش گردان ایرانی در عناصر معماری، اسلیمی‌ها و نقوش تزئینی اسلامی را این‌گونه معرفی می‌کند: «دیوارهای بعضی از مساجد که پوشیده از کاشی‌های لعابی با نسجی از اسلیمی‌های ظریف گچ‌بری است، یادآور رمزگری حجاب است: بنا به حدیث نبوی، خداوند پشت هفتاد هزار حجاب نور و ظلمت پنهان است؛ و «اگر آن حجاب‌ها بر افتد، نگاه پروردگار بر هر که و هر چه افتد، فروغ و درخشندگی و جهش آن‌همه را می‌سوزاند.» حجاب‌ها از نورند، تا «ظلمت» الهی را مستور دارند و از ظلمت‌اند تا حجاب نور الهی باشند.» (بورکهارت، ۱۳۹۲: ۱۴۷)

در باور عرفا، صوفیان و حکمای الهی اساساً «عالم حسی ظلّ عالم غیب است و هرچه در عالم فرودین و در مرتبه‌ی دانی و نازل به نحو جزئی و متناوب موجود است، صورتش در مراتب عالی، به نحو کلی و دائم در عالم مثال و جهان نفوس و عقول و به صورتی مجردتر در عالم مشیت الهی و مرتبه‌ی اسماء و اعیان ثابت‌ه وجود

# اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبای

hcwconf.ir



دارد. [...] و به قول مولانا: این شخص تو، سایه‌ی توست» (ستاری، ۱۳۹۲: ۱۴۳) به این ترتیب آن صور عالم مثال که تصویرشان یا به قول مولانا سایه‌شان در جهان محسوس متجلی گشته است، خود تصویر انوار قدسی عالم معقول‌اند که در باور عرفا این انوار، انوار اسماء و صفات حضرت باری هستند که کثرات عالم با ظاهری محسوس و مادی تحت این انوار به سر می‌برند، در واقع آن‌ها رمزی از مثال اعلای انوار قدسی هستند و چشم حقیقت‌بین به واسطه‌ی بیداردلی و صافی قلب، توان گشودن رمز و مشاهده‌ی حقیقت اسماء و صفات الهی را دارد. به این ترتیب هر کدام از موجودات هستی مظهر و جلوگاه اسماء و صفات الهی هستند که صرفاً ظاهر متفاوت و مادی آن‌ها حجاب این دنیایی است که با کنار رفتن حجاب، حقیقت قدسی وجود قابل مشاهده خواهد شد. (همان، ۱۴۴)

پژوهشگر برای دستیابی به هویت معماری اسلامی به این پرسش که حکمت اسلام چه هدف و راهبردی برای فضا معین می‌کند؟ و برای پاسخ به بایستگی‌ها درباره فضا از دیدگاه قرآن و برداشت‌ها و تفسیرهایی که از دو سرچشمه بالا از سوی اندیشمندانی چون نصر ارائه شده می‌پردازد.

از نظر نصر و بورکهارت، برای یافتن حکمت هنر اسلامی باید مستقیماً به اساس و عصاره باطنی صورت اسلامی مراجعه کرد. به عقیده نصر آن علمی که با هنر سروکار دارد با ساحت باطنی سنت مرتبط استنباط ساحت ظاهری آن... است. (مددپور، ۱۳۸۰، ۷۱) گروهی از نظریه‌پردازان همچون نصر و ندیمی ارتباط تنگاتنگی را بین معماری و هنر اسلامی می‌دانند به عقیده آنان در اسلام دین و دنیا کردن از هم جدا نیست و حکام تلاش داشتند اندیشه‌های دینی را در تصمیم‌گیری‌ها مدنظر قرار دهند. دکتر نصر معتقد است دوران هنر اسلامی تنها از باطل دین تغذیه می‌کرده است. هنرمندان با بهره‌گیری از حلقه‌های عرفانی و معنوی هنر اسلامی را درک و ارائه می‌کردند و می‌توان گفت که بسیاری از مسائل هنر اسلامی همچون قطعه خوشنویسی یا یک محراب و گنبد و... تجسم یافته حقیقت اسلام‌اند. (نصر، ۱۳۷۵، ۱۹)

## ویژگی معماری اسلامی - ایرانی از دیدگاه نظریه‌پردازان

میرمیران (محتوا و معنا پرداز)	هنر و معماری ایران مفهومی است اما هنر بسیاری از جوامع همچون ژاپن مفهومی نیست. عناصر معماری ایران را می‌توان در سهم رتبه الگو و مفهوم مورد بررسی قرار داد شاخص‌ترین ویژگی مفهومی معماری ایران عبارت‌اند از: شفافیت، تواضع (حضور مطمئن آفاقی)، شاد بودن بر پایه دیدگاه و جهان‌بینی مثبت ایرانی
----------------------------------	--



# اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر با محوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



بورکهارت (محتوا و معنا پرداز)	کعبه زرتشت منبع الهام هنر اسلامی است. شکل و نوع پوشش و از همه مهم‌تر حدیثی که خانه‌ی کعبه را در نقطه‌ای از محور وجود احاطه کرده است که نهایتاً به عرش الهی می‌رسد بنیاد و اصل اسلامی را پدید می‌آورد
----------------------------------	--

سید حسین نصر در تبیین مفهوم حکمت در فرهنگ اسلامی می‌نویسد با این تعاریف که ملاصدرا در کتاب اصایل داده است نوعی دانش ناب عقلانی است که داننده خود را در روند دانش اندوزی به گونه‌ای دگرگون می‌سازد که روحش و در آئینه می‌گردد که سلسله مراتب کیهان در آن انعکاس می‌یابد (نصر ۱۳۷۶) مقامی که انسان شایسته خلق معماری یا هر اثر هنری دیگر می‌شود و هر آنچه می‌آفریند، مناسب با مفهوم مادی و معنوی است. در واقع معماری اسلامی حاصل معنویت است که با اندیشه پاک معمارانه کشور اسلامی به ظهور می‌رسد، مرتبه‌ای که از آن می‌توان به تولد حکمت معماری اسلامی یاد کرد.

از دیدگاه اسلامی اهداف و غایات تنها بر اساس اصول و مبانی دین اسلام برگزیده می‌شود. اساساً معماری اسلامی در تعریف خود معماری است که بر پایه اهداف و موانع دین اسلام پدید آمده و همچنین علت فاعلی معماری یعنی معمار، خود باید با این اهداف و مبانی ارزشی اسلام آشنایی کامل داشته باشد. آموزه‌های دینی نه تنها می‌تواند اهداف کلی برای ساماندهی فضا به دست دهند بلکه روان سلسله مراتب اهداف را از کل به جز و از جز به کل برای کار سازماندهی فضا استخراج کند. (نقره‌کار، ۱۳۹۲، ۱۷۵)

اصول و مبانی حکمت معماری اسلامی
معماری یک سامانه چند بعدی است
علت غایی اثر معماری وحدت بخش و تبیین کنندگی آن است
حکمت هنر اسلامی از چرایی سخن‌ها می‌گوید نه فقط از چگونگی
عناصر فضا و هندسه در معماری به دلیل تجربه بیشتر کمتر وابسته به شرایط زمان و مکان هستند
گزاره‌های نظری حقیقی و گزاره‌های عملی و زیبایی شناسانه اعتباری و گزاره‌های نقادانه نسبی اعتباری هستند
مهم‌ترین اصل در گزاره‌های نظری هم بودن آن‌ها و در گزاره‌هایی که از آثار سخن می‌گویند فصل عدل به معنی به جا و متناسب بودن آن‌هاست.
مفاهیم زیباشناسی صفات حسین قابل تعیین به صورت کامل در آلماتی بلکه عالمه برتر در کالبدها به صورت آیه‌ای و قرمزی تجلی می‌یابد

# اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



مخاطب اثر هنری باید نگاه آیه بین داشته باشد تا رمز پردازی هنرمندان را در اثر هنری رمزگشایی و تحویل نماید

غیر از زیبایی‌های علمی و مادی آنچه کار هنری را واجد ارزش‌های فرازمانی و فرامکانی می‌نماید رابطه فطری و نوعی هنرمندان و مخاطبین است.

منبع : عبدالحمید نقره کار

«حکمت معماری اسلامی منجر به نهادینه شدن سنتی شد که آثار معماری این دوران را به یادگارهای جاودانه و استوار تبدیل ساخت. (نصر ۱۳۷۰) آنچه امروزه به عنوان معماری اسلامی دیده می‌شود ادامه سنتی است که آموزه‌های معنوی، حکمت ناب اسلامی را با رمز و راز و اشاره در کالبد مادی بنا در عالم ظاهر می‌سازد. در این دیدگاه بنایی زیباتر خواهد بود که پیوند عمیق‌تری با منبع زیبایی برقرار کند. معمار مسلمان با تکیه بر آداب سلوک هنر معنوی حکمت متعالی در بازآفرینی معماری اسلامی دست خواهد یافت.

هنرمند هنرهای اسلامی به شیوه و روش عرفا و متصوفه از اصطلاحات، تعبیرات و رموزی بهره می‌برد و در عرصه‌ی هنر معماری به صورت نقوش و عناصر دیگر نمود می‌یابد. او با استفاده از این نقوش مجازاً و به صورت رمز از مشاهدات خود طراحی می‌کند. همچنین کدکنی در بیان عرفان می‌گوید: «در چشم‌انداز ما - که عرفان نگاه هنری به الهیات و دین است - هرگونه تأملی، که گرایش به سوی تأویل و رمزگرایی داشته باشد و یا از جلوه‌های تخیلی و موسیقی و دیگر ابزارهای هنری در آن بهره‌یاب شده باشد، میل به سوی عرفان است و امری است بدیهی، چه این میل پر رنگ و چشم‌گیر باشد و چه ملایم و نامرئی.» (کدکنی، ۱۳۹۲: ۱۰۴)

از دیگر عناصر معماری اسلامی خط است که همواره همنشین فضا سازی و ابزاری در دست هنرمند مسلمان است. گاهی بنا بر کتیبه‌های خطی و صورت‌های دیگر در سرتاسر بنا یا سطوح بیرونی، در و دیوار و طاق و حتی سقف را می‌پوشاند. این عملکرد صرفاً برای حس حضور، دستیابی به مفاهیم و تأثیرگذاری بر مخاطب است نه خوانده شدن.

## نتیجه‌گیری :

با توجه به یافته‌های پژوهش چنین برمی‌آید که نقوش و عناصر معماری با ورود اسلام و حکمت اسلامی ارتباط مستقیم داشته است. این ارتباط هم از جهت ابداعاتی که هنرمند مسلمان معمار در نقش و طرح به وجود آورد و هم از جهت اعتقادات باطنی وی آشکار است و همچنین از جهت الگوبرداری از نگاه اندیشمندان

# اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



اسلامی که گویای آن سخن دکتر نصر مبنی بر اینکه هنر اسلامی از دین تغذیه می‌کند، است. از آنجایی که ساخت بناهای اسلامی ریشه در ماهیت اجتماعی تصوف اسلامی یعنی نیکویی و احسان به مردم و رعایت برابری و برادری داشته است، نشان از ارزش بالای اخلاقی و ذاتی دین اسلام است.

نگاه عرفانی در آفرینش نقوش و عناصر معماری موجب پیدایش زبانی از نوع رمز و تمثیل گردید که در معماری اسلامی به صورتی پایه‌ریزی شده که کلمه هنر اسلامی یادآور معماری اسلامی است. هنرمندان معماری در واقع عارف بودند که همواره آگاه از حقیقت موجود در پس نقوش و عناصر معماری در قالب مناسب آن معنایی اجرا می‌کردند. به این ترتیب نقوش معماری اسلامی توسط هنرمندی عارف و اهل فتوت از طریق راه یافتن به عالم شهود و اشراق به واسطه خیال خلاق صورت می‌پذیرد. هر آنچه را که هنرمند مسلمان در بنا به کار می‌برد به رمز و تمثیل آغشته می‌نماید.

هنرمندان معمار در کشف و شهود عرفانی از طریق عالم خیال، به حقایقی دست می‌یابند که در آینده‌ی طرح کاشی و عناصر معماری و همچنین با رعایت تمامی موازین نظم و تناسبات تحت لوای پدیدار میزان در قالبی متناسب و مساوق با آن معانی و حقایق ازلی عالم مثال و ارض ملکوت به صورتی رمزی به تصویر کشیده می‌شده‌اند. بنابراین راه تحلیل و بررسی نقوش و عناصر معماری اسلامی باید کشف‌المحجوب یا پدیدارشناسی باشد. دکتر نصر، بوکهارت و دیگر اندیشمندان سنت‌گرایی معنوی بحران معماری اسلامی معاصر را اومانیزم، فردگرایی، اصالت نیازهای مادی، کثرت‌گرایی مطرح می‌کنند و راه حل این بحران را احیای حکمت معنوی و تجربیات مادی گذشته می‌دانند. مجموعه ویژگی‌های هنر اسلامی به علل پذیرش و احترام خاص در نزد مردم رونق پیدا کرد. به گواهی آثار موجود می‌توان پی برد، ساخت چنین مجموعه‌هایی به طور هم‌زمان در مورد اقتباس معماران مسلمان نیز قرار گرفته است.

معماری باید در مجموع تأمین‌کننده نیازهای مادی و معنوی انسان باشد و برای تحقق این امر باید به مفاهیم و ارزش‌های مطرح شده در حکمت نظری اسلام روی آورده شود و معماران از حکمت اسلامی تجربه و راهبرد پیدا کنند تا بتوانند در مجموع نیازهای مادی انسان را تأمین کنند و هماهنگ با نیازها و زمینه‌سازی روحی و در جهت رشد تعالی انسان طراحی نمایند. در پایان با توجه به اهمیت بالای شناخت حکمت اسلامی و دیدگاه‌های اندیشمندان سنت‌گرا در تفسیر و تحقیق موضوعات مرتبط با هنر و معماری دوره اسلامی را یادآور شد و توجه جدی به راه‌حل بحران‌های معماری معاصر بیان شده است.

# اولین همایش ملی علوم انسان‌ها در حکمت معاصر با محوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



منابع :

قرآن مجید

۱. پوپ، آرتور آپهام. ۱۳۶۵. معماری ایران، پیروزی شکل و رنگ. ترجمه کرامت الله افسر. تهران: یساوی
۲. بلخاری قهی، حسن. ۱۳۸۷. نقد نقد (نقدی بر آراء منتقدان سنت‌گرایان پیرامون هنر اسلامی) فرهنگستان هنر شماره ۹. ص ۱۳۱-۱۱۶
۳. بورکهارت، تیتوس. ۱۳۹۲. هنر مقدس. ترجمه‌ی جلال ستاری. تهران. سروش.
۴. بورکهارت، تیتوس. ۱۳۷۲. «روح هنر اسلامی»، ترجمه سید حسین نصر. در هانری کرین (و...)، مبانی هنر معنوی، زیر نظر علی تاج دینی، تهران: حوزه‌هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ص ۵۱-۶۱.
۵. ستاری، جلال. ۱۳۹۲. مدخلی بر رمزشناسی عرفانی. تهران. نشر مرکز. چاپ پنجم.
۶. شفیعی کدکنی، محمدرضا، ۱۳۹۲. زبان شعر در نثر صوفیه. تهران. سخن.
۷. حاجی قاسمی، کامبیز. ۱۳۹۱. شاخصه‌های معماری اسلامی ایران، نشریه صفا. شماره ۵۸. ص ۵-۱۸
۸. قرشی، علی‌اکبر، ۱۳۵۲. قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه
۹. کرامت، زهره. ۱۳۹۳. تاملاتی در باب نسبت حکمت هنر اسلامی و فلسفه هنر اسلامی، مصطفی گودرزی، هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی بهار، شماره ۵۷ صفحه ۱۳ تا ۲۴
۱۰. مهدوی نژاد، محمد جواد. ۱۳۸۳. حکمت معماری اسلامی جستجو در ژرف ساخت‌های معنوی معماری اسلامی ایران. نشریه هنرهای زیبا. شماره ۱۹
۱۱. نصر، سید حسین. ۱۳۹۵. ارتباط هنر و معنویت اسلامی. رحیم قاسمیان، مجموعه مقالات هنر و معنویت دفتر مطالعات دینی هنر
۱۲. نصر، سید حسین. ۱۳۸۱. معرفت و معنویت. ترجمه‌ی انشالله رحمتی، نشر سهروردی. تهران: انتشارات سهروردی
۱۳. نصر، سید حسین. ۱۳۸۵. دین و نظم طبیعت. ترجمه انشاء الله رحمتی. تهران. نشر نی
۱۴. نصر، سید حسین. ۱۳۷۰. سنت اسلامی در معماری ایرانی "در جاودانگی هنر"، ترجمه سید محمد آوینی، تهران. انتشارات برگ
۱۵. نصر، سید حسین. ۱۳۷۳. هنر قدسی در فرهنگ ایرانی. انتشارات برگ
۱۶. نصر، سید حسین. ۱۳۷۵. هنر و معنویت اسلامی، ترجمه رحیم قاسمیان، تهران. دفتر مطالعات دینی هنر

# اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



۱۷. نصر، سید حسین. ۱۳۷۸. پیام به کنگره هنر، سنت و سنت‌گرایان
۱۸. نصر، سید حسین. ۱۳۸۰، معرفت و معنویت، ترجمه انشا الله رحمتی. نامه فرهنگ شماره ۴۹. تهران. انتشارات دفتر پژوهش و نشر سهروردی
۱۹. نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۳۹۲. حکمت و هنر اسلامی، دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت ایران.
۲۰. نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۳۸۹. مبانی نظری معماری. دانشگاه پیام نور. تهران
۲۱. مددپور، محمد. ۱۳۸۰. مباحثی در حکمت هنر اسلامی، موسسه اندیشه و فرهنگ و دین.
۲۲. ویلکینسون، روبرت. ۱۳۸۵. هنر، احساس و بیان، ترجمه‌ی امیر مازیار، تهران: انتشارات فرهنگ و هنر
۲۳. هیلنبرند، رابرت، ۱۳۸۰. معماری اسلامی، ترجمه‌ی باقر آیت الله زاده شیرازی، تهران: روزنه

24. Wilber, D. 1955. The architecture of Islamic Iran, Princeton